

مقاومت لبنان پس از بازسازی و ارتقا، آمادهٔ گزینهٔ نبرد تمام عیار در برابر تهدید موجودیت خود است

مثلث جولانی، جعجع و بی‌بی در خطر



سیدمهدی طالبی
پروفسور حوزه بین‌الملل

سخنرانی هفته گذشته شیخ نعیم قاسم، دبیرکل مقاومت لبنان علیه تصمیم تشریفاتی دولت وابسته این کشور برای خلع سلاح مقاومت با واکنش های مختلفی روبه‌رو شده است. در جبهه مخالفان، نواف سلام، نخست‌وزیر لبنان، اسرائیل کاتص، وزیر جنگ رژیم صهیونی و سمیر جعجع، جنایت‌کار مشهور و رهبر جریان پارلمانی قوات اللبنانیه مواضع تندى اتخاذ کرده‌اند.

قاسم در برابر تهدید مقاومت و شیعیان لبنان به ناپودی، مقابلاً تهدید کرده بود که در این صورت برای ناپودی دشمن داخلی و خارجی وارد نبردی تمام عیار شده و در این نبرد حتی سفارت آمریکا در بیروت تحت کنترل در خواهد آمد. این تهدید در حالی است که سفارت واشنگتن در بیروت در هیچ کدام از درگیری های قبلی بیش از چهاردهه اخیر هدفی برای کنترل کامل نبوده است؛ تحولی عمده که از آمادگی مقاومت لبنان برای وارد آوردن ضربه‌ای راهبردی به دشمن حکایت دارد.

دبیرکل مقاومت لبنان در توضیح شرایط گفته بود: «اما اگر رویارویی بر ما تحمیل شود، ما آماده هستیم و در زمان آن به خیابان می آییم یا به سمت سفارت آمریکا خواهیم رفت یا اقدامات لازم دیگری را انجام خواهیم داد.» این اظهارات نشان می دهد در وهله اول سفارت آمریکا شاهد تظاهرات مردمی خواهد بود و در صورت گره‌خوردن اوضاع، توسط مردم به کنترل درمی آید.

■ ■ ■

نکات

در خصوص سمت‌وسوی تحولات لبنان پس از تهدیدات دبیرکل مقاومت این کشور نکاتی وجود دارد که در ادامه آمده‌اند.

۱ در جریان جنگ سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۲۴ با رژیم صهیونی، جریانات داخلی لبنان دست به اقدامات عملیاتی علیه مقاومت زدند. این احتمال وجود دارد که برخی احزاب مخالف برای از بین بردن دستاوردهای سیاسی، اجتماعی و نظامی مقاومت به دنبال استفاده از سلاح بروند. احتمال دیگر استفاده از سلاح توسط جریان های داخلی برای برهم‌زدن تمرکز مقاومت و آمادمسازی فضا برای ضربه از خارج است. در هر دو طرح جریان‌های داخلی به دلیل ناتوانی وارد رویارویی تمام‌عیار با مقاومت نخواهند شد؛ در سناریوی اول هدف اعمال فشار بر مقاومت است تا این گروه برای قرارگرفتن در منگنه اقدامات نظامی داخلی و خارجی از برخی دستاوردهای سیاسی خود مانند حضور در دولت بگذرد. در سناریوی دوم هدف صرفاً تحکراتی است که باعث کاهش تمرکز مقاومت بر رژیم صهیونی و جولانی شود. بر این اساس شیخ نعیم قاسم با تهدید جریان‌های داخلی به رویارویی تمام‌عیار، تلویحاً تأکید کرده به آن‌ها اجازه نخواهد داد طبق ظرفیتشان وارد نبردها شوند، بلکه مقاومت به‌جای تبادل آتش، به آن‌ها هجوم



خواهد برد تا مجبور به استفاده حاکثری از ظرفیت‌هایشان شوند؛ اتفاقی که باعث سوختن ظرفیت مخالفان و خالی شدن عرصه داخلی می‌شود.

۲ مقاومت لبنان در بالاترین سطح از سوی دبیرکل خود تهدید کرده که اگر در معرض خطر موجودیتی قرار گیرد، کنترل سفارت آمریکا را در دست خواهد گرفت. این تهدید معانی خاص خود را دارد:

الف) ایجاد جنگ داخلی علیه احزاب مخالف و در اختیار گرفتن سفارت آمریکا به معنای کنترل کامل مقاومت بر بیروت خواهد بود. ب) جنگ فرسایشی به آمریکا تحمیل شده و این گونه نخواهد بود که این کشور خارج از گود سالم مانده و منتظر برداشت محصول از غرب آسیا باشد و هم‌زمان با فراخ‌بال چین و روسیه را مهار کند.

ج) مقاومت لبنان گروهی نهضتی با ریشه‌های قوی بین‌المللی است. درگیری آمریکا با مقاومت لبنان تهدیدی فزائر از خاک لبنان برای این کشور دارد.

د) از لحاظ حیثیتی آمریکا با سقوط سفارت‌های خود در سایگون پایتخت ویتنام شمالی در سال ۱۹۷۳، در تهران پایتخت ایران در سال ۱۹۷۹ و در کابل پایتخت افغانستان در سال ۲۰۲۱ مواجه بوده است. هر سه سقوط اثرات پایداری داشته‌اند. سقوط سفارت آمریکا در بیروت در سال ۲۰۲۵ می‌تواند چهارمین سقوط سفارت و ضربه حیثیتی به این کشور باشد؛ مهم آنکه این تحول به دلیل ارتباطات عمیق شیعیان عراق و لبنان می‌تواند به اقدامی مشابه در بغداد منجر شود.

۳ جولانی با همکاری تکفیری‌ها و موساد درصدد اعزام تکفیری‌ها و گروه‌هایی از داعش به داخل لبنان است. او قصد دارد از درون این گروه‌ها رفاعال و خود را بیرون حمله کند، اوبه حملات هم‌زمان هوایی رژیم صهیونی و پیش روی خزنه زمینی‌اش

در جنوب امیدوار است تا بتواند احتمال موفقیت خود را بالا ببرد. مشکل بزرگ او اما توانایی محور مقاومت برای اجرای طراحی مشابه است؛ فعال‌شدن هسته‌های مقاومتی درون سوریه، تهاجم مقاومت لبنان از سمت غرب، تهاجم مقاومت عراق از سمت شرق و حملات موشکی- پهپادی محور مقاومت از مبدأ عراق و یمن علیه شبه‌نظامیان جولانی برای پاکسازی و بازگشت به دمشق. در چنین شرایطی احتمال هماهنگی میان رژیم صهیونی و جولانی کاهش می‌یابد، زیرا صهیونیست‌ها نگران انتقام‌جویی ایران بوده و تهاجم تمام‌عیار به لبنان را در این شرایط به صلاح نمی‌دانند؛ هرچند مقاومت باید بدترین سناریو را در نظر بگیرد.

۴ عربستان سعودی در طول جنگ طوفان الاقصی تاکنون دو بار به طور مستقیم از سوی بالاترین رده دشمن با تهدیدهای ارضی مواجه شده است؛ مطرح کردن اسکان فلسطینی‌ها در بخشی از اراضی عربستان و دوم رویای ادعایی تشکیل اسرائیل بزرگ که شمال خاک این کشور را هم شامل می‌شود. پاسخ سعودی به این تهدیدها نه‌تنها کافی نبوده، بلکه آن‌ها در حال یاری دشمن ضد خود هستند؛ به‌تازگی افشا شده ناوگان تجاری سعودی در حال نقل‌وانتقال تسلیحات از بازارهای جهانی به فلسطین اشغالی است. همچنین سعودی‌ها

پیگیرانه و بی‌محابا خواستار خلع سلاح مقاومت لبنان به‌عنوان تنها نیروی نظامی قابل توجه در برابر رژیم صهیونی در این کشورند. عربستان سعودی به‌مزور با توقف جنگ در یمن، عدم تحرک زبان‌بار در لبنان و توافق ازسرگیری روابط با ایران به دنبال اصلاح رویه‌های خود بوده؛ اما به نظر می‌رسد متاثر از دو تحول با سرعتی بالا به سیاست‌های مخرب قبلی خود بازگشته است. این دو تحول سقوط

گعده‌های سیاسی چپ و راست با طرح مطالبات رادیکال موقعیت تنش را نادیده گرفته و به تنظیمات کارخانه بازگشتند

آن ۱۲ روز تعطیلات تابستانی نبود



علی مزرعوی
جرینگار گروه سیاست

هنوز از ظهر روز ۳ تیر که آتش‌بس غیررسمی در جنگ با رژیم صهیونیستی برقرار شد دو ماه هم نمی‌گذرد. موقعیت تنش و تهدیدات مبنی بر آغاز مجدد درگیری همچنان پابرجاست. جبار غزه همچنان از میکروفون رسانه تروریستی فارسی زبان اعلام می‌کند که امید به آشوب در خیابان‌های تهران دارد تا بتواند یک بار دیگر ترامپ را برای تهاجم به ایران قانع کند. برخی اما بدون توجه به این طراحی طوری در شیپور تقابل‌های سیاسی می‌دمند که انگار ما در بحبوحه خرداد انتخاباتی ۱۴۰۳ قرار داریم نه خرداد جنگی ۱۴۰۴. هم‌زمان با لشکرکشی‌های رسانه‌ای که بر طبل استیضاح رئیس‌جمهور کوبیده و در قیاسی کاریکاتوری او را با بنی‌صدر همانندسازی می‌کنند، شاخه رادیکال اصلاح‌طلبان بدون اینکه آمار و اطلاعاتی ارائه دهد خود را زبان مردم نامیده و مطالباتی را روی میز قرار می‌دهد که یا اولویت کشور نیستند و یا اساساً برخلاف خواسته مردم تلقی می‌شوند. در منتهی‌علیه چپ و راست سیاست ایران عقلا نیت آن‌قدر منزوی شده که این طور برداشت می‌شود برخی سبایسون ۱۲ روز ملتهب ایران را بدون اطلاع از بحران جنگ در تعطیلات تابستانی بوده و اکنون به تنظیمات کارخانه بازگشته‌اند. یک‌مسو استیضاح رئیس‌جمهور را می‌طلبند و سوی دیگر تغییر قانون اساسی. پیش از این در «فرهیختگان» تشریح شد که کشور در موقعیت استیضاح رئیس‌جمهور نیست و امروز نیز باید به طرف مقابل گوشزد شود که مطالبه‌گران ایده‌های تقابلی و حداکثری اولاً باید متوجه موقعیت زمانی طرح مطالبات خود بوده و ثانیاً تشریح کنند که با استناد به چه داده آماری رفع حصر را مطالبه ملی نامیده و یا مطالبه تغییر مهم‌ترین چهارچوب قانونی کشور را دارند.

■ ■ ■

بیانیه «بدهیم برود» منتشر شد

جبهه اصلاحات در جدیدترین بیانیه‌ای که منتشر کرده بعد از آنکه یک وضعیت کاملاً بازنده برای ایران تصویر کرده مجموعه‌ای از مطالبات را به عنوان پیشنهاد روی میز قرار داده که با ربطی به مسئله طرح شده ندارد و یا اساساً ایده‌ای تکراری است که پیشنهاد جدیدی از آن برداشت نمی‌شود. این جبهه در صدر فهرست پیشنهادهایش رفع حصر و آزادی زندانیان سیاسی را قرار داده تا مدعی شود این گزینه مهم‌ترین دستور کار برای آشتی ملی است. گروهی که مطالبه خود را مهم‌ترین الزام ایجاد آشتی ملی معرفی می‌کنند باید مشخص کنند بر اساس چه نظر سنجی این گزینه را به عنوان اولویت ملی استخراج کرده است. نبود دینشای آماری باعث می‌شود این تلقی به وجود بیاید که عبارت «ملی» و «مردم» صرفاً ابزارهایی در دست این جبهه برای طرح مطالبات حزبی است. این جبهه در ادامه خواهان مذاکره با آمریکا، استفاده از ظرفیت دیپلماسی

سوریه و گسترش جنگ‌های منطقه به ایران هستند. سعودی به‌زعم خود زمانی تصمیم به توقف اقداماتش گرفت که حس کرد آمریکا حاضر به تحرک نظامی عمده نیست ولی حالا نظر متفاوتی یافته است. آمریکا ورژیم صهیونی زیرکانه از بازگشت سعودی استقبال و در لبنان با سپردن مسئولیت اصلی به آن، ریاض را تقویت کرده‌اند. هدف اصلی واشنگتن و تل‌آویو ذخیره‌سازی منابع و تبدیل‌کردن مجدد ریاض به سبیلی در برابر محور مقاومت است. تا زمانی که سعودی در یمن می‌جنگد، موشک‌های یمنی علی‌رغم وقوع درگیری در فلسطین اشغالی راهی خاک عربستان می‌شدند ولی با فراغ‌بال از جبهه این کشور و در طول جنگ طوفان الاقصی یمن به رژیم صهیونی حمله کرد. تل‌آویو و واشنگتن می‌خواهند با فعال‌کردن عربستان و مزدورانش علیه مقاومت، موشک‌ها و پهپادها به‌جای سرزمین‌های اشغالی راهی عربستان شوند.

این احتمال می‌رود که با قمار ریاض متحدان عربستان در لبنان، سوریه و یمن آسیب‌دیده و این کشور از مبدأ یمن و عراق در خاک سرزمینی خود و همچنین خلیج فارس و دریای سرخ دچار مشکلاتی شود.

۵ اصلی‌ترین گروه‌های معارض با مقاومت در لبنان مانند حزب القوات اللبنانیه و شبه‌نظامیانش در دوره جنگ داخلی جنایت‌های زیادی مرتکب شده‌اند که یک نمونه آن ربودن یا به‌شهادت‌رساندن چهار دیپلمات ایرانی است. با توجه به خط‌آتش محور مقاومت از راه دور برای حمایت از اصلاح خود، ورود این حزب و سمیر جعجع، رهبر جنایت‌کارش برای آن‌ها مخاطره‌آمیز خواهد بود؛ پس از چند دهه به‌وجودآمدن فرصت برخورد با آن‌ها محتمل است. در یمن زیر بمباران سعودی و حضور مزدوران ارتش جنوب و قبایل همکار، علی‌عبدالله صالح که رئیس‌جمهور اسبق بود به دلیل اشتباه خود، جانش را از دست داد و رخداد مشابهی در بیروت درازدهن نیست.

۶ مقاومت لبنان در طول هشت‌ماهی که از آتش‌بس با رژیم صهیونی می‌گذرد علی‌رغم مشکلاتی مانند سقوط سوریه، تداوم ترور‌ها و تغییرات در دولت، موفق به بازسازی خود شده است. یکی از مشکلات مقاومت در طول جنگ عمق اطلاعاتی در لبنان بود. این نفوذ در همه جوانب ناشی از عوامل انسانی نبود، بلکه صهیونیست‌ها با بررسی‌های گسترده مبتنی بر فناوری مانند شنود، بررسی سیگنال‌ها و رصد تحرکات طی سال‌ها موفق به کشف برخی تأسیسات شده بودند. صهیونیست‌ها بانک اهداف خود را استفاده کردند و مقاومت نیز با برهم‌زدن ساختارهای قبلی و تزریق نیروهای جدید و گمنام اوضاع را تغییر داد.

از نظر سلاح نیز علاوه بر رسیدن محموله‌های خاص و ساخت برخی تجهیزات مقاومت آماده تهاجم است. مهم‌ترین تحول اما بیشتر از آنکه به تحویل گرفتن سلاح‌ها مربوط باشد به تدرت شدن سیاست‌های تهاجمی مرتبط است. پیش از این و علی‌رغم وجود تسلیحات، رعایت برخی ملاحظات مانع از حملات سنگین به سرزمین‌های اشغالی می‌شد؛ اما این محدودیت و ملاحظات در دور بعدی درگیری‌ها وجود نخواهند داشت.

■ ■ ■

گعده‌های سیاسی چپ و راست با طرح مطالبات رادیکال موقعیت تنش را نادیده گرفته و به تنظیمات کارخانه بازگشتند

سوءنقاهم‌ها در باره نیت‌های پشت این مطالبات شود. برخی اما به جای تن دادن و توضیح دادن در مورد اینکه زندانیان سیاسی فهرست گسترده‌ای ندارند، با وارد کردن محکومان امنیتی به فهرست سعی در بزرگ‌نمایی تصویری دارند که در جلسه با دستگاه قضا واقعتاً آن بر ملا شده بود. چند روز بعد از این جلسه عمادالدین باقی در مصاحبه با روزنامه هم‌میهن اعلام کرد لیستی ۷۰ نفره از زندانیان سیاسی را آماده کرده تا تحویل رئیس قوه قضائیه شود. در لیست ۷۰ نفره زندانیان به اصطلاح سیاسی نام‌هایی چون پخشان عزیزی، شریفه حمدی و وریشه مرادی که متهم به همکاری با گروه‌های تجزیه‌طلب کرد هستند نیز دیده می‌شود. اینکه برخی بعد از واکنش رئیس دستگاه قضا شتاب‌زده لیست‌هایی ارائه می‌دهند که ۳ نفر اعلام‌شده از آن با اتهامات امنیتی مواجه هستند و احتمالاً در لیست ۷۰ نفره بر همین عاقله محکومان امنیتی دیگری هم گنجانده شده‌اند، نشان می‌دهد مطالبه‌کنندگان بدون در نظر گرفتن قانون و تکنیک قابل شدن بین زندانی سیاسی و امنیتی صرفاً لیستی را شتاب‌زده آماده کرده تا در مقابل درخواست رئیس دستگاه قضا متهم به طرح مطالبات سیاست‌زده و بدون پشتوانه نشوند.

مبنای تغییر قانون اساسی

نظر شخصی نیست

تغییر قانون اساسی امری است که خود این قانون اجازه‌آن را داده اما این امر را مشروط به ضروری‌بای و در نهایت رای مردم کرده است. بنابراین امکان چنین تغییری بسته نیست. اما با توجه به اینکه مطالبان تغییر، می‌خواهند مبنای تمام قوانین را تغییر دهند اولاً باید تشریح کنند مشخصاً در چه موردی چنین مطالبه‌ای داشته و پیشنهادهایشان چیست. ثانیاً با توجه به اینکه تغییر قانون اساسی امری زمان‌بر بوده مطالبه‌گران تغییر قبل از اعمال فشار برای در دستور کار قرار دادن آن باید منطق خود را توضیح داده و با استناد به نظر سنجی‌های سایرین را قانع کنند که واقعاً مطالبه‌ای مردمی در این باره وجود دارد یا خیر؟ در غیر این صورت تکرار واژه «تغییر» چیزی جز یک مطالبه شعاری پر خاسته از گعده‌های سیاسی برداشت نمی‌شود. در جدیدترین نمونه از طرح این مطالبه، روزنامه شرق با عباس کریمی، عضو شورای پیگیری قانون اساسی یعنی همان شورایی که پژوهشگران در بدو آغاز به کار دولت چهارم به تأسیس کرد، گفت‌وگو کرده است. کریمی در این مصاحبه گفته است: «به نظر من قانون اساسی در موارد متعددی نیاز به بازنگری اساسی و تکمیل دارد.» چنین اظهاراتی این سؤال را در مقابل اعضای «شورای پیگیری قانون اساسی» قرار می‌دهد که آیا در تغییر یک سند بنیادی نظر شخصی معیار است یا پیمایش‌های آمار و استدلال‌های علمی؟ اگر چنین داده‌هایی وجود دارند ابتدا منتشر شده و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند، اگر هم وجود ندارند که اساساً نحوه عملکرد این شورا از زمان تأسیس تاکنون خود محل انتقاد است چه برسد به اظهارنظرهای شخصی که برخی در پوشش مسئولیت‌های حقوقی طرح می‌کنند.

